

سربازی با گلوله برفی

سیداحمد نادمی



کتاب سربازی با گلوله برفی، که به عنوان کتاب سال شعر، در سیزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس (پاییز ۱۳۸۹) معرفی شد، مجموعه شعرهای شاعری است که در بهار ۱۳۶۲، یعنی در میانه سال‌های دفاع مقدس، دیده به جهان گشوده است. مجید سعدآبادی، در واقع نمی‌تواند التهاب‌های سال‌های نخستین جنگ را درک کرده باشد و تجربه او، تجربه پیامدهای جنگ است. او ردپای جنگ را ابتدا در جامعه کوچک خانواده دیده و سپس در کوچه‌پس‌کوچه‌های قد کشیدن و بلوغ، آن را دنبال کرده است. طبیعی است که شعر جنگ او، با شعر شاعرانی که جنگ را زیسته‌اند، تفاوتی آشکار داشته باشد؛ تفاوتی که نگاه قضاوت‌کننده تاریخ را از دید درگیران یک واقعه تاریخی تمایز می‌بخشد. چنین است که موفقیت شعر مجید سعدآبادی، به یک ضرورت فرهنگی اشاره دارد.

حیات یک اتفاق ادبی، در گرو بازنگری است، و با بازنگری است که جریان‌های ادبی امکان وقوع می‌یابند. شعر مجید سعدآبادی - و دیگرانی از نسل او - پاسخی به ضرورت بازنگری در پدیده شعر دفاع مقدس است.

از آنجا که تأثیر شعر نوشتن و ارائه وجوه زیبایی‌شناسانه، به مراتب بیشتر از نوشتن مقاله‌های تحلیلی است، موهبت انتشار کتاب‌هایی چون سربازی با گلوله برفی، علاوه بر طراوتی که به فضای شعر جنگ ایرانی می‌بخشند، در تعویض رویکرد «انتقادی / نظری» به رویکرد «انتقادی / عملی» در مواجهه با جریان شعر دفاع مقدس است. بداعتی که در این گونه شعرها وجود دارد، شعر نوشتن مقلدانه را به چالش می‌کشد و فعالیت مکانیکی را به نفع خلاقیت هنری نفی می‌کند. بنابراین با دقتی شدن در حاصل کار شاعرانی چون مجید سعدآبادی، به تثبیت و گسترش دامنه‌های جریان شعر دفاع مقدس تأکید خواهد شد.

پیش از ورود به کتاب سربازی با گلوله برفی، دو نکته فرامتنی حائز اهمیت است:

اول اینکه نام این کتاب، بهتر و مؤثرتر از نام‌های دو کتاب قبلی

* سربازی با گلوله برفی

* مجید سعدآبادی

* چاپ اول، تهران: فصل پنجم، ۱۳۸۸

۶۸

مجید سعدآبادی، یعنی دالان حاج مختار، پلاک ۹ و قزل آلائی خال قرمز، به ایضاح و روشنایی بخشیدن به فضای شعری شاعر - البته تا این لحظه - یاری می‌رساند. ترکیب «گلولۀ برفی» ذهن خواننده کتاب را برای ورود به فضایی که ادراک کودکانه آن را تلطیف می‌کند، آماده می‌سازد.

دیگر اینکه مجید سعدآبادی این کتاب را به دوست شاعرش، حبیب محمدزاده، تقدیم کرده است. دنیای شعری حبیب محمدزاده، که در کتاب‌هایش، اتاق سی ان جی و مونا لیزای آقای بن لادن، تکوین یافته، به تعبیر لسان‌الغیب حافظ شیرازی، «عالمی دیگر» با «آدمی نوساخته» است. در واقع، دنیایی «آبستره» از «وانموده‌ها»، که نمایانگر بی‌اعتمادی شاعر به «واقعیت‌سازی رسانه‌ای» است.^۱ تأثیر شعرهای آقای محمدزاده بر شعر شاعران جوان، درخور بررسی است؛ اما آنچه که به این نوشته مربوط می‌شود، توجهی است که مجید سعدآبادی به شعر محمدزاده دارد. این توجه که در شیوه‌های روایی شعرها می‌بینیم، گاهی به اشاره‌ای مستقیم می‌رسد. برای نمونه، ترکیب «بچه‌های گردان حبیب» در شعر «یازده» کتاب:

... نوشته بود

ساقی گردان بچه‌های حبیب تیر خورد
و قمقه‌ها دارند هلاک می‌شوند... (ص ۲۹)

از «شعر نثری» از مجموعه اتاق سی ان جی آقای محمدزاده اقتباس شده است:

آهای تمام دخترهای معصوم! پس چرا باها موافق نیستند؟ خون‌های بی‌صدا از رودخانه‌های نامعلوم می‌گذرند. مثلاً بدیهی بود. بچه‌های گردان حبیب. عطسه‌های میرزا کوچک خان. نه، موهای من آن قدر هم فر نیست. ولی دست‌ها هم یک‌بار مصرفند. چقدر می‌خواهم بزنم توی گوش سلیمان رشدی! بگویند اشتباه کردی و به جاش باید صد دور، میدان صبحگاه دوکوهه را کلاغ‌پر بروی. بروم شاید بال‌هام درآمد. باد با قطار فرق دارد وقتی باد نیاید (از وبلاگ «اتاق سی ان جی، شرح ما وقع»).

موفق‌ترین شعرهای کتاب سربازی با گلولۀ برفی، شعرهایی است که تجربه زیستی شاعر از جنگ را روایت می‌کند. همان طور که آمد، شاعر کودکی‌اش را در زمان جنگ سپری کرده و به همین دلیل، بخش درخور توجهی از شعرهای کتاب، از «کودکانگی شعری» رنگ و عطر گرفته است. شعرهای مجید سعدآبادی عموماً از «تصویرسازی» - بهره شاعر از تخیل شعری - و تزریق عاطفه شکل می‌گیرد. فرایند «کودکانگی شعری» به خوبی بر این دو عنصر منطبق شدنی است:

دشمن با اولین پاتک

مسیر حرکت آب رودخانه را عوض کرد

قایق‌های جنگی کاغذی

که مدت‌ها پیش در آب انداخته بودم

یکی یکی برگشتند... (ص ۳)

گردو! شکستم

گردو! شکست

گردو! حوض حیاط هم ترک برداشت
گردو! با تو هستم گردو!
پایت را از پوتین پدرم در بیار (ص ۱۶)

کتاب هیئتی مدون دارد و شاعر کوشیده است که سبیری خطی را در چیدمان شعرها نشان دهد. از اولین شعر کتاب، که از ورود به این دنیا می‌گوید:

اگر موشکی با تمام حرارتش

روی این خانه بنشیند

مثل تخم‌مرغ‌های رسمی نطفه‌دار

پوسته جنگ ترک برمی‌دارد! (ص ۹)

تا آخرین شعر کتاب، که شاعر، سربازی است که نمی‌تواند شعرش را تمام کند، شعر به شعر، با بزرگ شدن او مواجهیم.

مؤثرترین شعرهای کتاب، شعرهایی هستند که «کودکانگی شعری» را با خود دارند.

توجه به فرم و ساختار نیز یکی از مشخصه‌های این کتاب است - که می‌تواند ممیزه‌ای برای شعرهای پس از جنگ و شعرهای زمان جنگ محسوب شود - و از اندیشیدن شاعر به مسئله شعر سخن می‌گوید.

استفاده از شکل روایی یک بازی کودکانه در شعر پنجم، و بهره‌گیری از میان‌نویس در شعر بیست‌ویکم، نمونه‌های بارزی از فرم‌اندیشی شاعر است. توجه به واژه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های معناییشان - که منجر به ساختمان شدن شعرها شده - ویژگی دیگر این کتاب است. برای

نمونه، در شعر پانزدهم کتاب، شاعر از «کلاه‌کچ‌ها» بی‌سخن می‌گوید که اگر در همسایگی او سنگر می‌ساختند، تفریحشان قد کشیدن خواهر شاعر بود و دیوانه شدن شاعر. شاعر در ادامه شعر، با خواهرش سخن می‌گوید و از آرزویش برای او، که دور شدن از زمین ناامن است و سخن گفتن با آنهایی که دور از این زمینند، سخن گفتن از طبیعت این روزهای زمین و «از بادی که گه‌گاه کلاهی را کچ می‌کند»، و با این پایان‌بندی، دوباره در ابتدای همین شعر هستیم.

غیر از یکی - دو شعر کتاب - مثلاً شعر هجدهم، که با کاراکتر «جن» بازی می‌کند و به نظر می‌رسد از مجموعه بعدی شاعر به این کتاب پرتاب شده است، یا شعر نوزدهم، که روایتی جهان‌وطنی از جنگ دارد - این مجموعه تصویری روشن از شاعری که در دهه ۸۰ شعر می‌گوید و تجربه شاعرانه‌اش تجربه‌ای داورانه نسبت به جنگ و شعر دفاع مقدس است - با تأکید بر اندیشیدن به مسئله شعر - برای مخاطب امروز شعر به نمایش می‌گذارد.

توجه به این کتاب، همان گونه که سیزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس این توجه را داشته است، موجب توسع تعریف شعر دفاع مقدس و نو به نو شدن آن خواهد شد.

پی‌نوشت

۱. تبیین «وانموده» را از «بودریار» وام گرفته‌ام. رجوع کنید به کتاب ژان بودریار، نوشته ریچارد جی. لین، به ترجمه آقای مهرداد پارسا، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۷.